
بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر جرم زنان زندانی شهر شهرکرد

دکتر اسماعیل جهانبخش^۱، محبوبه ترکی هرچگانی^۲

چکیده

موضوع این تحقیق بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر جرم زنان زندانی است. سوال اصلی این پژوهش این است که چه عوامل اجتماعی- اقتصادی بر جرم زنان زندانی تأثیر دارد؟ هدف اصلی نیز شناخت این عوامل و ارائه راهکارهای لازم جهت کاهش پدیده جرم زنان زندانی می باشد. و هدف فرعی این پژوهش بررسی میزان جرایم برحسب تحصیلات، ازهم گسیختگی خانواده، محلات فقیرنشین و اعتقادات مذهبی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی است. در این پژوهش برای بررسی دلیل ارتکاب جرم و رفتار انحرافی از نظرات دورکیم، شلدون، مرتون،... استفاده شده است. روش تحقیق این مطالعه پیمایشی است و برای جمع آوری داده های لازم در مورد متغیرهای به کار رفته شده از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری مدنظر این تحقیق کلیه زنان زندانی شهرکرد در سال ۱۳۹۲ که تعداد آنان ۱۰۲ نفر بوده و به علت کم بودن حجم نمونه، روش نمونه گیری به صورت تمام شماری بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از جدول توصیفی و استنباطی و برای آزمون فرضیه ها از آزمون T یک نمونه ای استفاده شده است. یافته ها و نتایج تحقیق عبارتند از این که: بین از هم گسیختگی خانواده، زندگی در محلات فقیرنشین، اعتقادات مذهبی، تحصیلات، پایگاه (اجتماعی- اقتصادی) و زندانی شدن زنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

کلید واژگان: جرم، انحراف، رفتار انحرافی، زنان زندانی.

تاریخ پذیرش: ۹۵/ ۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۴/ ۹ /۱۸

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی دهقان

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی دهقان: shahrekordsabatorki@yahoo.com

مقدمه

در دهه هفتاد شواهدی از افزایش مشارکت زنان در رفتار جنایی به منصف ظهور رسید. پژوهشگران رشد فزاینده جرایم زنان را به آزادی آنها، اشتغال خارج از خانه، تضعیف کنترل های اجتماعی و مشارکت فزاینده آنها در بازار کار نسبت داده اند (آدلر، ۱۹۷۵: ۶۱).

آنها معتقدند که آزادی زنان در توسعه توانمندی هایشان به منظور تحقق اهدافشان در زندگی آنها را به طور هم‌زمان در معرض ناکامی‌ها و فشار زندگی نیز قرار می‌دهد که در گذشته چنین مشکلاتی را عمدتاً تجربه می‌کردند. چنین تحولاتی زنان را در معرض فرصت‌هایی برای ارتکاب جرایم به ویژه جرایم مالی قرار می‌دهد. علی‌رغم کارکردهای مثبت و مناسبی که آزادی زنان را به ارمغان آورده است ارتباط بین آزادی زنان و افزایش میزان جرایم در میان آنها به ویژه جوامع صنعتی آشکار است با این حال اگر چه سهم زنان در ارتکاب جرایم افزایش یافته ولی هنوز نرخ جرایم کمتر از ۰/۰۱۵ نرخ کل جرایم است (رید، ۲۰۰۰: ۲۶).

توجه به این نکته ضروری است که فرهنگ هر جامعه و نوع نگرش و طرز تلقی هر جامعه نسبت به زنان و مردان و نقش و وظیفه‌ای که از هر یک انتظاری می‌رود در شکل‌گیری شخصیت و نحوه رفتار و عمل آنها تأثیر اجتناب‌ناپذیری دارد که ممکن است تفاوت بین میزان و نوع جرایم ارتكابی توسط هر یک از دو جنس را سبب گردد. بنابراین برای شناخت عملی بزهکاری زنان ضروری می‌نماید که به طور اختصاصی جرایم زنان و عوامل و علل مؤثر در ارتکاب جرایم در زنان و پراکندگی و چگونگی جرایم زنان مورد بررسی قرار گیرد و اهمیت تحقیق در شناسایی علل انحراف روشن گردد. اصولاً انحرافات اجتماعی را می‌توان یک ضایعه اجتماعی دانست و باید ریشه درد را در جامعه جستجو کرد چون شرایط نامساعد اجتماعی و ضعف کنترل خانوادگی و اجتماعی و هم‌چنین وسایل ارتباط جمعی می‌تواند در شکل‌گیری آن مؤثر واقع شود ولی نمی‌توان این عوامل را به تنهایی علت انحراف دانست. امروزه این اعتقاد رواج دارد که هیچ علتی به تنهایی برای رفتار پیچیده و متنوعی مانند انحراف عموماً انحراف زنان کافی نیست. مسئله مربوط به آسیب‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین معضلات جامعه امروزی ما به حساب می‌آید هم‌زمان با گسترش انقلاب صنعتی و گسترش دامنه نیازمندیها، محرومیت‌های ناشی از عدم امکان برآورده شدن خواستها و نیازهای زندگی موجب گسترش شدید و دامنه دار انواع آسیب‌های اجتماعی نظیر: انحرافات جنسی، اعتیاد، خودکشی، مهاجرت،

بی خانمانی، فقر و فساد، بیکاری، تبهکاری، سرقت و دزدی و دیگر آسیب‌ها شده است. اهمیت این مسئله بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر جرم زنان زندانی است.

بیان مسئله

زنان امروزه نیمی از جوامع انسانی را تشکیل می‌دهند و پاکدامنی زنان در این جوامع موضوع بسیار مهمی که بر موقعیت و وضعیت خانوادگی آنان بسیار تأثیر می‌گذارد. اهمیت این مسئله به این دلیل است که چه عواملی باعث می‌شود که زنان در یک محیط کوچک و سنتی که افراد همدیگر را می‌شناسند و ارزش‌ها و آداب و رسوم گذشته برایشان مهم است دست به رفتار مجرمانه می‌زنند و ترس از برچسب خوردن و لکه دار شدن شرافت خانوادگی نداشته باشند. با اینکه زنان می‌دانند ممکن است به دلیل سوء سابقه بعد از رهایی از زندان از طرف خانواده و بستگان و حتی همسر طرد شوند باز دست به رفتار مجرمانه می‌زنند. به مسائل و مشکلات زنان به دلیل برخی محظورات و قیود ناشی از فرهنگ جوامع سنتی و شرایط اجتماعی پرداخته نشده و در قیاس با سایر مسائل اجتماعی اهمیت کمتری یافته است. در این تحقیق درصدد بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر جرم زنان در زندان پرداخته می‌شود. زیرا تعارض زیادی بین زنانگی و ارتکاب به جرائم در فرهنگ ما وجود دارد معمولاً زنان در کشور ما در بستر خانواده تعریف می‌شوند و نقش‌های مادری و همسری را دارند و به جایی می‌رسیم که همین مادران و همسران مرتکب جرائم می‌شوند.

مسئله مورد توجه این تحقیق این است که ما فقط به لحظه مرتکب جرم شدن فرد توجه نکنیم بلکه به این مسأله که چه فرآیندی باعث مجرم شدن آنها شده هم توجه داشته باشیم. زن هسته اصلی خانواده را تشکیل می‌دهد و مرکز ثقل خانواده است و به طور مستقیم و یا غیرمستقیم بر روی همسر و فرزندان خود اثر می‌گذارد. اگر می‌خواهیم سلامت جامعه تا حد زیادی تضمین شود باید به سلامت خانواده‌ها توجه کرد و برای این که خانواده‌های سالم و شکوفا داشته باشیم لازم است که زنان مؤثر، مفید و سازنده‌ای در خانواده‌ها وجود داشته باشد. در یک کلام می‌توان گفت که سعادت و شقاوت خانواده‌ها تا حدی زیادی مرهون سلامت روحی، روانی و اخلاقی زنان است. مسلماً یک زن مجرم نمی‌تواند بستر مناسبی را برای تربیت فرزندان فراهم نماید از دامن یک زن مجرم یا منحرف فرزندان نمی‌توانند افراد مؤثر و شایسته‌ای برای جامعه باشد. زنان همواره در طول تاریخ مورد ظلم واقع شده‌اند و در قرن حاضر متأسفانه به

بدترین شیوه ها به مسلخ^۱ کشیده شده و قربانی خواسته‌های ناروای افراد مجرم و منحرف واقع شده اند. بنابراین لازم است که حمایت‌های جدی از زنان به خصوص زنان آسیب پذیر جامعه به عمل آید تا مورد سوءاستفاده قرار نگرفته و آلت دست این و آن نشوند. در جامعه ای مثل ما که ارزش ها و هنجارها در سر حد درخشندگی مورد توجه و اعتنا هستند به عنوان سرلوحه های زندگی به شمار می روند نقض ارزشها و هنجارها و اخلاقیات می تواند خطر جدی را برای حیات و استحکام جامعه به همراه داشته باشد و به عنوان دغدغه ای جدی برای تمام کسانی که قلبشان برای بقای میهن و ملتشان می تپد باشد.

مبانی نظری

تعریف های قانونی و جامعه شناختی جرم:

برداشت های متنوع و متعددی از جرم وجود دارد که می توان هریک از آنها را بازتاب نوعی چشم انداز متفاوت عملی و ایدئولوژیک دانست. در این خصوص برای مثال می توان به سخن هیگن^۲ استناد جست که چند نوع رویکرد مختلف را در عرصه تعریف جرم تشخیص داده و آنها را در طیفی از تعریف های «قانونی- وفاقی» گرفته تا تعریف های مبتنی بر اصول «حقوق بشر» دسته بندی کرده است. برای بر آورده کردن مقصود این بخش می توان سخن او را درباره اختلافات گسترده موجود در تعریف جرم به شرح زیر خلاصه کرد:

* تعریف قانونی و رسمی جرم بیانگر این نکته است که آنچه را دولت جرم شناسد جرم است. بدین ترتیب این تعریف عملی را جرم محسوب می دارد که در قوانین جزایی بدان اشاره شد و در قالب تعیین کیفی خاص در ازای آن مشمول ضمانت اجراهای دولتی قرار گرفته است.

* برداشت زیان اجتماعی در تعریف جرم آن را شامل هر دو دسته تخلف های محرمانه (از جمله ضرب و شتم یا تهدید به آن) و تخلفات مدنی (مانند بی احتیاطی) می داند. این استدلال که هر دو دسته رفتارهای یاد شده در هر حال زبانی را با خود همراه دارد و بنابراین باید پذیرای نوعی کیفر باشد خواه در قالب انجام دادن عملی خاص باشد و خواه در شکل انجام ندادن عمل.

۱. صحنه کشتار، کشتارگاه

۲- Hygn

* رویکرد برچسب زنی در تعریف جرم مدعی است که وجود جرم فقط زمانی واقعیت می یابد که در برابر عملی خاص نوعی واکنش اجتماعی پدید آمده باشد واکنشی که برآن عمل بر چسب مجرمانه وارد آورد. رویکرد گوناگونی انسانها، جرم را برحسب وضعیتی تعریف می کند که در آن کجروی بیانگر واکنشی طبیعی در برابر اوضاع واحوال ظالمانه یا توأم با نابرابری است عمده توجه این رویکرد هم معطوف به روابط و انواعی از اقدامات گروه های مسلط که با هدف محدود ساختن گوناگونی های موجود در تجارت زنان و فرهنگ انسانها انجام می پذیرد (هاگان، ۱۹۸۷: ۱۶۷)

تعریف جرم از دیدگاه نظریه پردازان

* از نظر قانونی ساترلند^۱ جرم را چنین تعریف نموده است: «وقتی علمی جرم است که از طرف قانونگذار امر ونهی شده باشد و مقررات آن به وسیله مقام صلاحیت دار تدوین و آنان آن را برای اجتماع خود به موقع به اجرا گذارند.»

* از نظر اجتماعی آقای دکتر باهری در این زمینه می نویسد: «از نظر اجتماعی مفهوم جرم نظیر مفهوم اخلاق متغیر و در حال تحول می باشد دلیل این مطلب آن است که وصف مجرمانه عملی از نقطه نظر اجتماعی و مهم چنین میزان مجازاتی که جامعه برای عمل مجرمانه در نظر خواهد گرفت بستگی به افکار عمومی دارد. افکار دائماً در حال تغییر و دگرگونی می باشند بنابراین جرم از نقطه نظر اجتماعی عملی است که نظم اجتماعی را نقض نموده باشد و این نظم در هر عصری متناسب و در حوزه تمدن و سطح افکار و عقاید متعارف همان عصری باشد. در نتیجه جرم از نظر اجتماعی نقض نظام جامعه است. نظام جامعه تغییر پذیر است و به همین جهت نمی توان مفهوم جرم طبیعی را پذیرفت. (خاکپور، ۱۳۵۴: ۲۵-۲۴)

* به عقیده مانهایم^۲ «جرم قبل از هر چیز یک مفهوم غیرقانونی شدن رفتار است. یعنی رفتار انسانی که تحت قانون جزا قابل مجازات است.» علاوه براین وی معتقد است که موضوع جرم از نظر جرم شناسان مفهوم گسترده تری دارد. زیرا اولاً جرم یا جنایت بیش از حد وسیع و گسترده است به طوری که می تواند تغییر رفتار از قتل بی نهایت قبیح تا تخلفات جزئی مثل عبور از چراغ قرمزرا شامل می شود. ثانیاً هیچ توافق کلی وجود ندارد که چه چیزی جرم را از بی عدالتی اجتماعی یا شبیه جرم های متمایز هم جدا می سازد (مساواتی آذر، ۱۳۷۴: ۶-۴).

¹- Sutherland

²- Mannheim

* دورکیم جامعه شناس فرانسوی نیز به جرم و منشا اجتماعی آن توجه خاص داشته است. بنابراین او وقتی عملی را می توان مجرمانه تلقی کرد که آن عمل صور مشخص و قدرتمندی از وجدان جمعی را نادیده انگارد و درصد از میان بردن و یا تضعیف آن برآید (محسنی، ۱۳۵۵:۱۹۷).

* لمبروزو^۱ معتقد است میزان جرایم و بزهکاری زنان به مراتب از مردان کمتر است که این بیان معلول چهار علت است:

- ۱- زنان معمولاً از لحاظ زیستی محافظه کارتر هستند و علت اصلی این محافظه کاری را باید در عدم یاخته های ماده اول او در مقایسه با اسپرماتزوید مرد دانست.
 - ۲- نقش اجتماعی زنان با مردان فرق می کند چون کار زنان بیشتر در خانه انجام می شود.
 - ۳- مسئله انتخاب همسر نیز از عوامل مؤثر است. مردها عموماً زنان زیبا را برای معاشرت و ازدواج خود انتخاب می کنند (خاکپور، ۱۳۵۴:۸۳-۸۲)
- انحرافات اجتماعی

انحرافات اجتماعی به عنوان پدیده ای اجتماعی مورد بحث جامعه شناسان قرار می گیرد. آن ها در تعریف انحرافات اجتماعی می نویسند: «کجروی یا انحرافات اجتماعی به رفتاری اطلاق می شود که برخلاف هنجارهای اجتماعی یک جامعه باشد. در این تعریف دست کم به دو قید توجه می شود: اولاً آن رفتار باعث نقض هنجارهای مهم جامعه باشد، ثانیاً: از نظر اکثر مردم قابل مجازات باشد لذا ازمنظر جامعه شناختی با توجه به این که هنجارهای اجتماعی اهمیت ویژه ندارد و عدم هم نوایی با آنها ممکن است مورد اغماض و چشم پوشی قرار گیرد تنها به دسته ای از ناهنجاری ها توجه می شود که از اهمیت برخوردار بوده که به نظر اکثر مردم گناه تلقی می شود» (گسن، ۱۳۷۴:۱۶۱)

در این نگاه «کجروی» به فردی گفته می شود که اولاً با هنجارهای مهم هم نوا نباشد، ثانیاً نابهنجاری اش تادیر گاهی ادامه یابد بنابراین به فردی کجروی گفته می شود که به دفعات رفتار نا بهنجار را تکرار نماید (آگبرن، ۱۳۵۳:۲۵۳).

در تعریف انحرافات اجتماعی بر قید «مخالفت با هنجارهای مهم اجتماعی» تأکید می نماید این تأکید مبتنی بر این پیش فرض است که وجود انحراف اجتماعی در هر جامعه ای طبیعی است. لذا هر نوع ناهنجاری را نباید انحراف اجتماعی تلقی نمود بلکه مخالفت با هنجارهای

¹ - Lmbrvzv

مهم اجتماعی معیار نام گذاری کجروی می باشد (آقاجانی، ۱۳۸۱: ۷۳).

یکی از مفاهیم نزدیک به انحراف مفهوم ناهنجاری فرد ناهنجر است کسی که فاقد سازگاری با ساخت کلی یک نظام باشد یا در کارایی یک نظام، با انتظار و توقع مردم ناهمخوان و یا از آن چه معلول، متداول و طبیعی ثمره می شود متمایز باشد. در روان شناسی اجتماعی شخصی ناهنجر خوانده می شود که با ضوابط اجتماعی و فرهنگی محیط پیرامون خود سازگاری نیافته باشد و در روانپزشکی ناهنجاری تلقی می شود که با خود، محیط پیرامون و انتظارات محیطش همساز نباشد (بیرو، ۱۳۷۵: ۱۲۵)

آسیب شناسی اجتماعی

آفت یا آسیب در لغت به معنای عیب، علت، آسیب، گزنده، آنچه مایه نابودی چیزی باشد یا موجب از میان رفتن اثر و خاصیت یا اعتبار آن می شود (حسینی دشتی، ۱۳۶۹: ۷۲)

جامعه شناسان آسیب شناسی^۱ از ریشه یونانی^۲ به معنای رنج، محنت، احساسات و غضب و به معنای دانش و شناخت ترکیب شده است. علوم اجتماعی در اثر مشابهت سازی در قرن ۱۹ میان کالبد انسانی و کالبد جامعه و بیماری های عضوی و بحرانهای اجتماعی دانش نوین به نام آسیب شناسی اجتماعی^۳ جهت مطالعه عوامل و ریشه های بی نظمی ها و بیماری های اجتماعی پدید آورد (خسروپناه، ۱۳۸۲: ۱۷۸)

لذا باید گفت که رفتار انحرافی، به مفهوم رفتاری است که به طرقی با انتظارهای رفتاری مشترک یک گروه خاص سازگاری ندارد و دیگر اعضای جامعه آن را ناپسند یا نادرست می دانند در واقع، هر جامعه از اعضای خود انتظار دارد از ارزش ها و هنجارها تبعیت کند اما همواره عده ای پیدا می شوند که پاره ای از این ارزش ها و هنجارها را رعایت نمی کنند. شایان ذکر است که انحراف های اجتماعی به انحراف های فردی و گروهی، آگاهانه و ناآگاهانه، طبیعی و سازنده قابل تقسیم اند (خسروپناه، ۱۳۸۲: ۱۲۵)

اصلی ترین جرایم زنان ایرانی

جرم هایی مثل سقط جنین، نوزاد کشی و نیزکودک آزاری، از جمله جرایمی هستند که مرتکبین اصلی آنها زنان هستند. ممکن است در نگاه اول چنین تصور شود که تفاوتی میان ارتکاب جرم زنان با مردان وجود ندارد اما جرم شناسی در مطالعات خود چهار ویژگی را برای

^۱- pathology

^۲- patho path

^۳- pathology Social

بزهکاری زنان برشمرده اند. نخستین ویژگی که در خصوص بزهکاری زنان وجود دارد کم بودن حضور زنان در فعالیت های مجرمانه است. آمار جنایی بسیاری از کشورهای دنیا نشانگر این هستند که میزان ارتکاب جرم از سوی زنان کمتر از مردان است. مثلاً براساس آمار جنایی رسمی کشور فرانسه، تنها یک هشتم یا یک دهم مجموع جرایم ارتكابی در این کشور مربوط به زنان می شود. اما ویژگی دوم بزهکاری زنان مربوط به ماهیت جرایم ارتكابی آنهاست. تحقیقات نشان می دهند که زنان در برخی از جرایم حضور بیشتری و فعال تری دارند. یکی از این جرایم، جرم هایی هستند که قربانی آن طفل یا نوزاد است. جرم هایی مثل سقط جنین، نوزادکشی و نیز کودک آزاری، از جمله جرایمی هستند که مرتکبین اصلی آنها را زنان تشکیل می دهند. اما دسته دیگر جرایم که زنان در آنها حضور فعال دارند جرایم جنسی هستند. حضور پررنگ زنان در این جرایم به این دلیل است که یک طرف جرم لزوماً باید یک زن باشد. جرایمی مثل زنا، برقراری رابطه نامشروع و نیز روسپیگری از این قبیل اند. این در حالی است که دسته دیگر جرم هایی است که علیه اموال مردم رخ می دهند و زنان بیشتر از مردان مرتکب می شوند و عمدتاً از طریق مسموم کردن اتفاق می افتد و نه از طریق توسل به خشونت و خونریزی. اما تحقیقات نشان می دهند که در برخی از جرایم مثل قاچاق مواد مخدر و نیز قاچاق کالا، زنان به عنوان رابطه و باربر مواد استفاده قرار می گیرند. این امر بدین جهت است که از یک سو ماموران پلیس نسبت به زنان به یک دید ترحم آمیز نگاه می کنند و این امر سبب می شود که کمتر به زنان مظنون شوند. در این میان نکته قابل توجه آن است که تنها تعداد اندکی از زنان حبس کشیده بعد از آزادی از زندان مجدداً مرتکب جرم می شوند این در حالی است که مردان این گونه نیستند و در موارد متعدد حتی بعد از تحمل مجازات بازهم به سراغ ارتکاب جرم می روند (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۲۴)

اقسام سرقت زنان:

- ۱- جیب بری: زنان بر در فروشگاه های بزرگ و مراکز خرید اقدام به سرقت می کنند و غالباً لباسهای فاخر می پوشند و خود را کاملاً آراسته و متشخص نشان می دهند.
- ۲- سرقت از منازل: در این نوع سرقت معمولاً زنان به عنوان شریک جرم با سارق اصلی همکاری می کنند و کمتر دیده شده که زنان به تنهایی اقدام به سرقت می کنند و اغلب اشیا سبک و قیمتی را می ربایند.
- ۳- سرقت از مغازه ها: سرقت از مغازه ها از بزه های رایج زنان است که در کلیه کشورها

دیده شده است و در شهرهای پر جمعیت بیشتر است. زنان بیشتر از طریق فریب فروشنده ها از مغازه ها سرقت می کنند و معمولاً به دو صورت این کار را انجام می دهند الف) زدن دخل (صندوق پول) که عمدتاً زنان با اغفال فروشنده و دورساختن او از پشت صندوق پول این کار را انجام می دهند. ب) دزدیدن اشیا موجود در مغازه که عموماً بزهکاری حرفه ای یا معتاد غالباً به صورت گروه های سه نفری وارد مغازه شده و یکی یا دوفتر از آنها صاحب مغازه را سرگرم یا فریب می دهند و دیگری به سرقت می پردازند.

۴- سرقت اتومبیل: این نوع سرقت مخصوص مردان است و زنان یا دختران معمولاً به صورت معاونت در این نوع سرقت شرکت می کنند به طوری که باسواد شدن مسافر یا موارد دیگر راننده را اغفال کرده و همکاران او دست به سرقت می زنند.

۵- سرقت مسلحانه: در این نوع سرقت نیز زنان به صورت معاونت یا به عنوان طعمه شرکت می کنند و عموماً این نوع سرقت مخصوص مردان است (یوسفی و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۳۶).

جرم زدایی از جرایم زنان

یکی از عواملی که به کاهش نرخ جرایم زنان در مقابل مردان کمک می نماید، جرم زدایی از برخی جرایم زنان است که البته در کشور ما چندان مصداق ندارد و بیشتر مختص کشورهای اروپایی می باشد. سقط جنین و روابط جنسی در بسیاری از کشورها جرم به شمار نمی رود. بسیاری از جرایم خاص زنان مانند روابط نامشروع یا سقط جنین از رقم سیاه بسیار بالایی برخوردار است. جرمی مانند رابطه نامشروع از جمله جرایم توافقی است که هیچ یک از طرفین علاقه ای به اقامه دعوا ندارد. مطالعات نشان داده که در بسیاری از موارد تفاوت معناداری نسبت به واکنش عدالت کیفری به زنان و مردان وجود دارد. به عنوان مثال اگر ۱۰۰ زن و ۱۰۰ مرد به جرم سرقت متهم شده باشند احتمال محکومیت زنان ۲۰٪ و محکومیت مردان ۸۰٪ درصد است. البته این آمار در کشور ما شاید خیلی متداول نباشد. در برخی از مواقع هنگامی که قضاوت به این نتیجه رسیده اند که از مجازات به عنوان یک حربه و عاملی جهت جلوگیری از وقوع بزه و تکرار جرم استفاده نمایند، در نتیجه مجازات شدیدتری را برای زنان در نظر می گیرند و منطق کیفری موجب می شود زنان مشمول مجازات شدیدتری قرار گیرند. علاوه بر این مسائل زنان در بسیاری از فرهنگها موجودی قابل احترام است و همواره سعی گردیده از خطاها و مقصور زنان چشم پوشی شود و حتی الامکان از برخوردهای سخت گیرانه و خشن نسبت به آنان کمتر استفاده شود چرا که جامعه پویا به زنان و مادران نیازمند است و عدم حضور آنان در

محیط خانواده صدمات جبران ناپذیری در پی دارد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۳۱)

مبانی نظری

پژوهش موسی نژاد، (۱۳۸۷) که در زمینه انحرافات اجتماعی نوجوانان و جوانان انجام شده است نشان می دهد که بین شیوه تربیت استبدادی، میزان پایبندی مذهبی والدین و نوع معاشران پاسخ گویان با متغیر وابسته (گرایش به مواد اعتیاد آور) رابطه معناداری وجود دارد. اما رابطه بین ۴ متغیر دیگر (شیوه تربیت دموکراتیک، میزان نابسامانی خانواده، میزان استفاده از اوقات فراغت و مهاجرت) با گرایش نوجوانان و جوانان به مواد اعتیاد آور معنادار نبوده است.

هم چنین تحقیقات انجام شده راهب، ۱۳۸۰ در زمینه بزهکاری نوجوانان دختر در تهران نشان می دهد که شیوه تربیتی مستبدانه و غفلت و بی توجهی والدین در گرایش نوجوانان به بزهکاری مؤثرند. عواملی مانند: دوری خانواده، تحصیلات پایین والدین، نوع شغل والدین، وضعیت نابسامان اقتصادی، فضای کوچک زندگی در محله های شلوغ، نوع مسکن، جدایی والدین، فوت والدین، انحراف والدین و رفتار خصمانه والدین نسبت به یکدیگر از عوامل مؤثر در گرایش نوجوانان به بزهکاری هستند.

در تحقیقی که آندرسون^۱، (۲۰۰۲) در مورد بزهکاری نوجوانان انجام داد، دریافت نوجوانانی که در خانواده های تک والدی زندگی می کنند و یا در خانواده های نابسامان به سر می برند، احتمال رفتار بزهکارانه شان بیشتر است.

در پژوهشی که هافمن^۲، (۲۰۰۳) در زمینه بزهکاری انجام داد دریافت نوجوانی که در خانواده های به سر می برند که وقایع استرس زا را تجربه می کنند و هم چنین والدین آن ها نظارت کمی بر اعمال و رفتار آنان دارند احتمال این که به رفتارهای بزهکارانه سوق یابند بیشتر است.

هاگان و فوستر، (۲۰۰۳) پژوهشی که در مورد بزهکاری نوجوانان انجام داد دریافت که پسران نسبت به دختران بزهکارترند و نوجوانان دارای خانواده های تک والدی نسبت به خانواده های والدینی از بزهکاری بیشتری برخوردارند.

باتوجه به پیچیدگی مسئله بزهکاری می توان گفت که هیچ یک از نظریه های انحرافات از

^۱ - Anderson

^۲ - Hoff man

چنان جامعیتی برخوردار نیستند که به توان براساس آن گرایش افراد جامعه را به بزهکاری تبیین کرد از این رو چنانچه این مسئله به طور علمی و عینی مورد بررسی قرار گیرد به ناچار باید به تلفیق جنبه های همگرایی نظریه های موجود پرداخته و درنهایت به تدوین چارچوب نظری تحقیق همت گماشت.

نظریه های جامعه شناختی درباره انحرافات

در قلمرو جامعه شناختی نظریه های مختلفی در باب کجروی و انحرافات وجود دارد. جامعه شناسان علل و عوامل گوناگونی را باعث شکل گیری رفتار مجرمانه و کجروی انسانها می دانند. این جامعه شناسان ریشه های انحراف و علل آن را نه در درون فرد بلکه در بیرون از او در واقعیت های اجتماعی نهادها، ساختارها، روابط اجتماعی و نظایر آن جستجو می کنند.

- کانون بررسی آنان جامعه و ساخت اجتماعی است.

- افعال و کنش های فردی را در قبال جامعه می سنجند.

- واحد تحلیل آنان جمع است نه فرد.

- جرم و بزهکاری را امری ناخواسته به شمار می آورند که نظام اجتماعی بر فرد تحمیل کرده است (احمدی، ۱۳۷۷: ۴۷)

نظریه آنومی (بی هنجاری) دورکیم

نظریه آنومی یکی از مهم ترین، اساسی ترین و پرآوازه ترین نظریات جامعه شناختی در باب بزهکاری و کج رفتاری است. آنومی در نظر دورکیم^۱ به بی سازمانی، گسستگی و از هم گسیختگی اجتماعی، اختلال و اغتشاش در نظام جمعی اشاره دارد. وقتی در مورد پذیرش هنجارهای اجتماعی و اهداف و انتظارات جامعه اتفاق نظر وجود نداشته باشد، بی هنجاری یا آنومی شکل می گیرد با توجه به بحث آنومی دورکیم می توان گفت که آن چه دورکیم درباره آنومی و رفتار انحرافی مطرح کرده است شامل انحراف یا کج رفتاری زنان هم می شود براساس این نظریه هر گاه آنومی یا بی هنجاری اجتماعی افزایش یابد و هنجارها و قواعد رفتاری جامعه دچار از هم گسیختگی شوند یا فرد بر اثر فقدان هنجارها و الگوهای رفتار دچار سرگسستگی و پریشانی شود و بر اثر چنین حالاتی احساسات جمعی تضعیف خواهد شد و ضمانت اجرایی خود را از دست خواهد داد و در نتیجه کج رفتاری های اجتماعی از قبیل سرقت، قتل، فحشا، اعتیاد و ... افزایش می یابد.

^۱ - Durkheim

هم چنین براساس این نظریه بین فردگرایی و افزایش جرم یا کج رفتاری رابطه وجود دارد یعنی اگر همبستگی اجتماعی در اثر از هم گسیختگی و انفکاک بین اعضا ضعیف شود و اعضا خوب جامعه پذیر نشده باشند نمی توانند قواعد و قوانین، آداب و رسوم و ارزشهای اجتماعی جامعه را درونی کنند لذا قادر به همراهی و هم نوایی با اعتقاد است، اخلاقیات، عقاید و قواعد پذیرفته شده جامعه نخواهند بود و احتمال اینکه دچار کج رفتاری اجتماعی شوند بسیار است (ممتاز، ۱۳۸۱: ۶۳).

به نظر دورکیم سرشت آدمی برآیندی است از سرشت زیستی که خودخواه است و سرشت اجتماعی که دیگر خواه است. دوگانگی میان بدن انسان و نیازهای آن از سو و روح آدمی و خواسته های آن از سوی دیگر پدید آورنده کشاکش دائمی میان جسم و روح است اگر بر خواسته های آدمی (نیروی نفسانی) مهار نشود زندگی اجتماعی با وضعیت بی هنجاری روبرو می شود وضعیتی که در آن دیگر جایی نه برای زنده ماندن جسم و نه پایدار ماندن روح وجود دارد (آقاجانی، ۱۳۸۱: ۳۰)

نظریه آنومی و ساختار خانواده ویلیام گود

ویلیام گود^۱ با یاری گرفتن از آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده درصدد است که آنومی اجتماعی را تعیین کند. بنابه نظریه ویلیام گود خانواده یک ساختار کوچک جامعه پذیر کردن انسان هاست. خانواده، اولین نهادی است که انسان در آن قدم می گذارد و شخصیت هر فرد را در دوران کودکی پرورش می دهد نتایج آن نیز در بزرگسالی نمایان می شود. گسیختگی خانواده می تواند معلول عوامل زیر باشد:

- فقدان پدر

- فقدان یا غیبت مادر

- وجود روابط ضعیف و حتی متعارض بین اعضای خانواده. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۹)

از جمله وظایف و کارکردهای خانواده می توان به کارکردهای تربیتی، زیستی و جسمی اشاره کرد. در کارکرد مهم آن عبارتند از:

- تأمین نیازهای جسمی فرزندان

- منبع رشد و یادگیری

¹-William goode

گسیختگی خانواده باعث می شود اعضای آن دچار بحران شوند و نیازهای روحی و روانی و جسمی آنان درست و به موقع تامین نشود. در چنین شرایطی دختران و زنان مثل دیگر اعضای خانواده دچار آسیب خواهند شد و به طرف رفتارهای انحرافی کشیده می شوند.

ویلیام جی گود خانواده نابسامان را دارای یکی از ویژگی های ذیل می داند:

- عدم مشروعیت: معمولاً پدر معلوم نیست یا حضور ندارد و عمدتاً سرپرستی طفل بر عهده مادر یا یکی از افراد جامعه است - فسخ و جدایی، طلاق و ترک خانواده، - خانواده توخالی، با یکدیگر زندگی می کنند ولی در روابط عاطفی، محبت و سازگاری در محیط خانواده وجود ندارد حالتی که می توان آن را طلاق روانی نامید.

- غیبت غیر ارادی مثل فوت یا زندانی شدن یکی از والدین،

- عدم ایفای نقش پدری یا مادری مانند زمانی که پدر و مادر به یک بیماری سخت از نظر جسمی یا روانی مبتلا می شود. ویلیام گود نابسامانی خانواده را مهم ترین عامل در انحراف فرزندان دانسته است (صالحی خواه، ۱۳۸۴: ۱۹۰).

نظریه همنشینی افتراقی ادوین ساترلند

تئوری معاشرت ترجیحی ساترلند^۱ بر مراحل یادگیری تاکید می کند که به وسیله مرتون به فراموشی سپرده شده بود. گرچه ساترلند نقش اجتماع و شرایط جامعه را در تولید و ایجاد جرم فراموش نکرده اما او بر رابطه متقابلی که منجر به آموختن انواع الگوهای رفتاری اعم از رفتارهای مجرمانه و غیرمجرمانه می شود تأکید می ورزد نقطه مرکزی وبه عبارتی کانون نظریه ساترلند این است که افراد رفتار جنایی را به همان ترتیبی می آموزند که رفتار گروه های معمولی و عادی را یاد می گیرند. رفتار جنایی، رفتار انسان است و باید در ساختار کلی مشابهی به همان ترتیب که سایر رفتارهای انسان توضیح داده می شوند تفسیر گردد در این ساختار کلی ساترلند معتقد است که رفتار جنایی تولید و نتیجه معاشرت های فرد در طول زمان است. بر این اساس، ساترلند توضیح می دهد که ارزشها، هنجارها، انگیزه ها، عقلانی شدن شایسته و فنون و مهارت های رفتار، خواه رفتار و یا رفتار ناپسند به وسیله ارتباط و معاشرت افراد با یکدیگر آموخته شوند به وضعیت های خاص تعریف عنوان رفتارهای مطلوب یا غیرمطلوب می شوند که وابسته به قالب پیچیده وضعیت فردی با توجه به تمایلات و توانایی هایی آموخته شده او در نتیجه معاشرت با گروه است. بنابراین فردی که الگوهایی از رفتار مجرمانه را آموخته است و در صورتی

¹ - Sutherland

که فرصت های لازم را به دست آوردند نسبت به کسانی که الگوهای چنین رفتاری را نیاموخته اند بیشتر ممکن است مرتکب جرم شود. ساترلند خاطر نشان می کند که این آموختن یا به عبارتی معاشرت تر اغلب و به نحو آسان تری در میان گروه های دوستانه بزهکاری یا گروه حاملان اتفاق می افتد جایی که بیشتری از افراد مورد تعاریف مجرمانه به وسیله گروه مورد پذیرش قرار گرفته و هنجار غالب به شمار می آید (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ۹۸).

نظریه برجسب زنی یا انگ زنی

پس از تأکید بسیار بر مطالعه مجرم و پدیده مجرمانه بسیاری از اندیشمندان به مطالعه واکنش اجتماعی در مقابله پدیده مجرمانه بیش از مطالعه خود جرم گرایش یافته اند این تعبیر جهت تمایلی را در اندیشمندان برانگیخت تا به تبیین نقش گروه های اجتماعی و نمایندگان رسمی کنترل اجتماعی در تولید و ایجاد جرم یا انحراف بپردازند در این راستا تئوری برجسب زنی که در نتیجه مطالعات «لمبرت^۱» و «بکر^۲» ظهور کرد از جایگاه مهم تری برخوردار است رویکرد برجسب زنی به مطالعه واکنش اجتماعی نسبت به رفتار دیگران متمرکز شده است. زیرا چنین می انگارد که این واکنش با وقوع مکرر اعمالی که اجتماع آن را غیر قابل پذیرش اعلام کرده است مرتبط است. این نظریه بر اهمیت اجراهای (مجازاتهایی) منفی جامعه که براساس این رویکرد افراد را مجبور به انجام اعمال مجرمانه و منحرفانه می کنند تأکید می کند. البته در این رویکرد هیچ تلاشی صورت پذیرفته است تا توضیح دهد که چرا افراد برای اولین بار مرتکب اعمالی می شوند که تحت عنوان جرم یا انحراف از آنها یاد می شود به علاوه در این نظریه تأکید زیاد به توسعه مدل «حرفه های مجرمانه» شده است که در آن رفتار مجرمانه نتیجه فرایندی است که دارای مراحل متعددی از قبول و پذیرش رفتار مجرمانه تا ارتکاب آن است. نظریه پردازان نظریه برجسب زنی تحلیل های خود را بر واکنش دیگران نسبت به یک شخص یا فعل که در ارزیابی رسمی آن به عنوان یک راه و روش منفی درک شده است متمرکز می کنند. بنابراین تغییر مسیر توجه از مرتکبان اعمال و افعال به مسیر تعریف این اشخاص یا افعال به عنوان منحرف نهایتاً منجر به رفتار منحرفانه دیگری از این نوع می شود (غلامی، ۱۳۸۷: ۱۷۶-۱۷۵).

نظریه برجسب زنی انحراف را به عنوان فرایندی تبیین می کند که وسط آن برخی مردم

^۱ - Lambert

^۲ - Becker

موفق می شوند برخی دیگر رامنحرف تعریف کنند این نظریه بر نسبی بودن انحراف تاکید دارد و ادعا می کند که یک شخص یا یک عمل تنها زمانی انحراف تلقی می شود که بر چسب انحراف توسط دیگران به آن زده می شود. هاوارد بکر می گوید: «مجرم کسی است که برچسب خورده و جرم رفتاری است که دیگران به آن برچسب زده اند.» این رویکرد معتقد است که رفتار به خودی خود به عنوان کژ رفتاری یا جرم محسوب نمی شود بلکه این افراد و گروه های فرهنگی هستند که به این رفتارها عنوان جرم «برچسب» می زنند (هاگان، ۱۹۸۸: ۴۳).

اهداف تحقیق

الف- هدف کلی: این تحقیق شناسایی و بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر جرم زنان زندانی است.

اهداف فرعی:

- ۱- شناخت و بررسی رابطه بین ازهم گسیختگی خانواده و جرم زنان
- ۲- شناخت و بررسی زندگی در محلات فقیر نشین و جرم زنان
- ۳- شناخت و بررسی رابطه بین سطح تحصیلات و جرم زنان
- ۴- شناخت و بررسی رابطه بین اعتقادات مذهبی و جرم زنان
- ۵- شناخت و بررسی رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و جرم زنان

فرضیات تحقیق

- ۱- بین ازهم گسیختگی خانواده و جرم زنان رابطه معنا داری وجود دارد.
- ۲- بین زندگی در محلات فقیر نشین و جرم زنان رابطه معنا داری وجود دارد.
- ۳- بین سطح تحصیلات و جرم زنان رابطه معنا داری وجود دارد.
- ۴- بین اعتقادات مذهبی و جرم زنان رابطه معنا داری وجود دارد.
- ۵- بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و جرم زنان رابطه معنا داری وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

- فرآیند کار

روش تحقیق حاضر را باید از نوع پیمایشی دانست. جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق مشتمل بر زنان زندانی شهرکرد در سال ۱۳۹۲ است. تعداد جامعه آماری مدنظر ۱۰۲ نفر می باشد بدیهی است به علت محدودبودن جامعه آماری در این حالت نمونه گیری صورت نمی گیرد و

همه جامعه آماری نیز می تواند به عنوان نمونه آماری مورد تحقیق واقع شود. از طرفی قصد تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر جرم زنان زندانی در این جامعه آماری حجم نمونه هم معادل کل جامعه می باشد.

در این پژوهش، پس از بیان اهداف و فرضیات مورد نظر، مطالعات مقدماتی درباره موضوع تحقیق انجام و سپس مرحله تحقیق اسنادی و کتابخانه‌ای آغاز شد. در این مرحله با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و بانک‌های اطلاعاتی، اطلاعات مورد نظر فیش برداری و جمع آوری شد. برای مطالعات میدانی پس از طرح سوالات و تنظیم پرسشنامه، پرسشنامه در نقاط روستایی مورد نظر به وسیله زنان و دختران روستایی تکمیل شد و پس از جمع آوری داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد پردازش و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

پایایی پرسشنامه

از روشهای محاسبه پایایی استفاده از فرمول کرونباخ است. این روش برای هماهنگی درونی ابزار اندازه گیری از جمله پرسشنامه یا آزمونهایی که خصیصه های مختلف را اندازه گیری می کنند به کار می رود. جهت پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد.

مقدار آلفا	متغیر
٪۷۱	ازهم گسیختگی خانواده
٪۷۲	زندگی در محلات فقیرنشین
٪۷۱	تحصیلات
٪۷۵	اعتقادات مذهبی
٪۷۲	پایگاه (اجتماعی-اقتصادی)

روش تحلیل داده ها

در این تحقیق به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل داده ها نسبت به نوع متغیرهای تحقیق از روش های آمار توصیفی و برای تبیین فرضیات تحقیق از روش های استنباطی براساس نرم افزار spss استفاده شده است.

تحلیل توصیفی داده ها
الف) مشخصات پاسخگویان

جدول ۱: توزیع فراوانی برحسب سن پاسخگویان

سن	تعداد	درصد	درصد تجمعی
۲۰-۲۵	۱۷	۱۶/۷	۱۶/۷
۲۶-۳۰	۲۸	۲۷/۵	۴۴/۱
۳۱-۳۵	۲۶	۲۵/۵	۹۶/۶
۳۶-۴۰	۱۵	۱۴/۷	۸۴/۳
۴۱ سال و بالاتر	۱۶	۱۵/۷	۱۰۰
جمع	۱۰۲	۱۰۰	

زنان مجرم زندانی شده بین ۲۶ تا ۳۰ سال (۲۸ نفر معادل ۲۷/۵ درصد) و ۳۱ تا ۳۵ سال (۲۶ نفر معادل ۲۵/۵ درصد) سن دارند، بقیه پاسخگویان نیز ۱۶/۷ درصدشان بین ۲۰ تا ۲۵، ۱۴/۷ درصد بین ۳۶ تا ۴۰ و تعداد ۱۶ نفر نیز در گروه سنی ۴۱ سال و بالاتر قرار دارند.

جدول ۲: توزیع فراوانی برحسب محل سکونت پاسخگویان

محل سکونت	تعداد	درصد	درصد تجمعی
شهر	۹۰	۸۸/۲	۸۸/۲
روستا	۱۲	۱۱/۷	۱۰۰
جمع	۱۰۲	۱۰۰	

۸۸/۲ درصد زنان زندانی شده ساکن شهر می باشند و درصد (۱۱/۷) کمتری از آنها ساکن روستا هستند.

جدول ۴: توزیع فراوانی برحسب سواد مادر پاسخگویان

سواد	تعداد	درصد	درصد تجمعی
بیسواد	۴۵	۴۴/۱	۴۴/۱
ابتدایی	۱۹	۱۸/۶	۶۲/۷
راهنمایی	۱۴	۱۳/۷	۷۶/۵
متوسطه	۱۴	۱۳/۷	۹۰/۲
فوق دیپلم	۷	۶/۹	۹۷/۱
لیسانس و بالاتر	۳	۲/۹	۱۰۰
جمع	۱۰۲	۱۰۰	

سطح سواد مادرهای زنان زندانی پایین می باشد به طوری که ۶۲/۷ درصدشان بیسواد و تحصیلات ابتدایی دارند و فقط ۱۰ نفر (۹/۸ درصد) تحصیلات دانشگاهی (فوق دیپلم و لیسانس به بالا) دارند.

جدول ۵: توزیع فراوانی برحسب سواد پدر پاسخگویان

سواد	تعداد	درصد	درصد تجمعی
بیسواد	۲۵	۲۴/۵	۲۴/۵
ابتدایی	۱۰	۹/۸	۳۴/۳
راهنمایی	۳۳	۳۲/۴	۶۶/۷
متوسطه	۲۰	۱۹/۶	۸۶/۳
فوق دیپلم	۸	۷/۸	۹۴/۱
لیسانس و بالاتر	۶	۵/۹	۱۰۰
جمع	۱۰۲	۱۰۰	

سطح سواد پدرهای زنان زندانی نسبت به مادرانشان سطح تحصیلات بهتری دارند به طوری که ۳۳ نفر معادل ۳۲/۴ درصد راهنمایی، ۱۹/۶ درصد متوسطه و ۱۳/۷ درصد تحصیلات عال داشته و فقط ۲۴/۵ درصد بیسواد هستند.

تحلیل استنباطی

فرضیه اول: بین اژهه گسیختگی خانواده و جرم زنان رابطه ی معناداری وجود دارد.

جدول ۶: نتایج آزمون t تک نمونه ای فرضیه اول

شاخص آماری	تعداد	میانگین	ازهم	انحراف	تی	درجه	سطح
		گسیختگی	معیار	معیار	آزادی		معناداری
ازهم	۱۰۲	۸/۷۸	۱/۳۳	۶۶/۲۲	۱۰۱		۰/۰۰۰

گسیختگی

$$P < 0/05$$

آزمون تی نشان می دهد که سطح معناداری برای آزمون تی برابر است با ۰/۰۰۰ بنابراین بین از هم گسیختگی خانواده و جرم زنان رابطه معناداری وجود دارد، میانگین ازهم گسیختگی ۸/۷۸ و انحراف معیار نیز ۱/۳۳ می باشد، بنابراین خانواده های زنان مجرم، زندانی شده به علت های متعدد (طلاق، عدم تفاهم،...) جدا ازهم بوده و درگرایش زنان مجرم به انحراف و خلاف مؤثر بوده است.

فرضیه دوم: بین زندگی در محلات فقیرنشین و جرم زنان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۷: نتایج آزمون t تک نمونه ای فرضیه دوم

شاخص آماری	تعداد	میانگین	محلات	انحراف	تی	درجه	سطح
		فقیر...	معیار	معیار	آزادی		معناداری
محلات	۱۰۲	۷/۷۰	۱/۶۰	۴۸/۵۸	۱۰۱		۰/۰۰۰

فقیرنشین

$$P < 0/05$$

آزمون تی نشان می دهد که سطح معناداری برای آزمون تی برابر است با ۰/۰۰۰ بنابراین بین زندگی در محلات فقیرنشین و جرم زنان رابطه معناداری وجود دارد، میانگین محلات

فقیرنشین ۷/۷۰ و انحراف معیار نیز ۱/۶۰ می باشد، بنابراین محلات شلوغ در جرم زنان مؤثر می باشد.

فرضیه سوم: بین سطح تحصیلات و جرم زنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۸: نتایج آزمون t تک نمونه‌ای فرضیه سوم

شاخص آماری	تعداد	میانگین تحصیلات...	سطح انحراف معیار	تی آزادی	درجه معناداری	سطح معناداری
سطح تحصیلات	۱۰۲	۴/۰۷	۲/۰۹	۱۹/۶۵	۱۰۱	۰/۰۰۰

$P < ۰/۰۵$

آزمون تی نشان می دهد که سطح معناداری برای آزمون تی برابر است با ۰/۰۰۰ بنابراین بین زندگی تحصیلات و جرم زنان رابطه معناداری وجود دارد، میانگین سطح تحصیلات ۴/۰۷ و انحراف معیار نیز ۲/۰۹ می باشد، بنابراین سطح تحصیلات در انحراف زنان مؤثر است، تعداد کمی از زنان دارای تحصیلات دانشگاهی و بیشتر دیپلم، زیر دیپلم و بیسواد سطح سوادشان است.

فرضیه چهارم: بین اعتقادات مذهبی و جرم زنان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۹: نتایج آزمون t تک نمونه‌ای فرضیه چهارم

شاخص آماری	تعداد	میانگین اعتقادات...	انحراف معیار	تی آزادی	درجه معناداری	سطح معناداری
اعتقادات مذهبی	۱۰۲	۳۴/۱۰	۴/۱۲	۸۳/۴۳	۱۰۱	۰/۰۰۰

$P < ۰/۰۵$

آزمون تی نشان می دهد که سطح معناداری برای آزمون تی برابر است با ۰/۰۰۰ بنابراین بین اعتقادات مذهبی و جرم زنان رابطه معناداری وجود دارد، میانگین اعتقادات مذهبی ۳۴/۱۰ و

انحراف معیار نیز ۴/۱۲ می باشد، بنابراین اعتقادات مذبی در جرم زنان مؤثر می باشد، میانگین نیز نشان می دهد پاسخگویان اعتقادات مذهبی قوی نداشته و تاحدودی به مذهب و انجام فرایض دینی توجه می کنند.

فرضیه پنجم: بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و جرم زنان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱۰: نتایج آزمون t تک نمونه ای فرضیه پنجم

شاخص آماری	تعداد	میانگین	پایگاه اجتماعی و ...	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معناداری
پایگاه اجتماعی و اقتصادی	۱۰۲	۱۹/۹۶	۵/۸۱	۳۴/۶۵	۱۰۱	۰/۰۰۰	

$P < 0/05$

آزمون تی نشان می دهد که سطح معناداری برای آزمون تی برابر است با ۰/۰۰۰ بنابراین بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و جرم زنان رابطه معناداری وجود دارد، میانگین پایگاه اجتماعی و اقتصادی ۱۹/۹۶ و انحراف معیار نیز ۵/۸۱ می باشد، بنابراین پایگاه اجتماعی و اقتصادی در انحراف زنان مؤثر است، میانگین نشان می دهد پاسخگویان از نظر پایگاه اجتماعی و اقتصادی در سطح بالایی نیستند.

بحث و نتیجه گیری

آزمون فرضیه اول: بین از هم گسیختگی خانواده و جرم زنان رابطه معناداری وجود دارد. $P < 0/05$

*آزمون تی نشان می دهد که سطح معناداری برای آزمون تی برابر است با ۰/۰۰۰ بنابراین بین از هم گسیختگی خانواده و جرم زنان رابطه معناداری وجود دارد، میانگین از هم گسیختگی ۸/۷۸ و انحراف معیار نیز ۱/۳۳ می باشد، بنابراین خانواده های زنان مجرم، زندانی شده به علت های متعدد (طلاق، عدم تفاهم،...) جدا از هم بوده و در گرایش زنان مجرم به انحراف و خلاف مؤثر بوده است.

فرضیه دوم: بین زندگی در محلات فقیرنشین و جرم زنان رابطه معناداری وجود دارد.

*آزمون تی نشان می دهد که سطح معناداری برای آزمون تی برابر است با $0/000$ بنابراین بین زندگی در محلات فقیرنشین و جرم زنان رابطه معناداری وجود دارد، میانگین محلات فقیرنشین $7/70$ و انحراف معیار نیز $1/60$ می باشد، بنابراین محلات شلوغ در جرم زنان مؤثر می باشد.

فرضیه سوم: بین سطح تحصیلات و جرم زنان رابطه معناداری وجود دارد.

*آزمون تی نشان می دهد که سطح معناداری برای آزمون تی برابر است با $0/000$ بنابراین بین زندگی تحصیلات و جرم زنان رابطه معناداری وجود دارد، میانگین سطح تحصیلات $4/07$ و انحراف معیار نیز $2/09$ می باشد، بنابراین سطح تحصیلات در انحراف زنان مؤثر است، تعداد کمی از زنان دارای تحصیلات دانشگاهی و بیشتر دیپلم، زیر دیپلم و بیسواد سطح سوادشان است.

فرضیه چهارم: بین اعتقادات مذهبی و جرم زنان رابطه معناداری وجود دارد.

*آزمون تی نشان می دهد که سطح معناداری برای آزمون تی برابر است با $0/000$ بنابراین بین اعتقادات مذهبی و جرم زنان رابطه معناداری وجود دارد، میانگین اعتقادات مذهبی $34/10$ و انحراف معیار نیز $4/12$ می باشد، بنابراین اعتقادات مذهبی در جرم زنان مؤثر می باشد، میانگین نیز نشان می دهد پاسخگویان اعتقادات مذهبی قوی نداشته و تا حدودی به مذهب و انجام فرایض دینی توجه می کنند.

فرضیه پنجم: بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و جرم زنان رابطه معناداری وجود دارد.

*آزمون تی نشان می دهد که سطح معناداری برای آزمون تی برابر است با $0/000$ بنابراین بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و جرم زنان رابطه معناداری وجود دارد، میانگین پایگاه اجتماعی و اقتصادی $19/96$ و انحراف معیار نیز $5/81$ می باشد، بنابراین پایگاه اجتماعی و اقتصادی در انحراف زنان مؤثر است، میانگین نشان می دهد پاسخگویان از نظر پایگاه اجتماعی و اقتصادی در سطح بالایی نیستند.

پیشنهادهات

با توجه به اهمیت و ضرورت توجه به مقوله زن، در این تحقیق به عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر جرم زنان زندانی پرداخته ایم. باتوجه به فرضیات موجود که مورد آزمون قرار گرفته و مورد تأیید واقع شدند پیشنهادهاتی به شرح زیر ارائه می گردد:

- ۱ - تقویت باورها و ارزش های دینی، هر قدر ارزش ها و دستورات دینی در فرد بیشتر درونی شود، به او در برابر رفتارهای انحرافی مصونیت بیشتری می دهد. در هنگام مواجهه فرد با وضعیت بی هنجاری اجتماعی، دین قادر است نوعی جایگزین مشروع و قابل اجرا برای اهداف یا ابزارهای غیرقابل دسترسی فراهم آورد و فرد را از ابتلا به تبعات روانی بی هنجاری دور سازد.
- ۲ - انتخاب همسر مناسب: خانواده ها باید تلاش کنند فردی مناسب و عاری از هرگونه اعتیاد را برای همسری دختر و پسر خود برگزینند و نیروی انتظامی با تهیه بانک اطلاعاتی در مورد تمام افراد کشور می تواند این مشکل را برای خانواده های عزیز آسان کند. این بانک اطلاعاتی می تواند شامل اطلاعاتی درباره سوءپیشینه اعتیاد، بیماری های واگیر، بیماری های روانی، سطح تحصیلات و به طور کلی سابقه فرد و خانواده اش باشد. وقتی خانواده ها به چنین اطلاعاتی دسترسی داشته باشند، احتمالاً میزان جرم در جامعه تا حدودی کاهش می یابد.
- ۳ - دست اندرکاران امور فرهنگی، اقتصادی، قضایی و انتظامی جامعه باید تلاش همه جانبه، منسجم و هماهنگی را شروع کنند و راه های گسترش اعتیاد در سطح جامعه را مسدود نمایند. از این رو لازم است که درحوزه فرهنگ و آموزش و هدایت افراد به سوی شغل خاص، به مسئله تربیت افراد توجه شود، به خصوص راهکارهایی برای نهادینه کردن دین و دستورات و ارزشهای دینی در بین محصلان و دانشجویان اجرا شود و منابع و کتابهای مغایر با مبانی دینی و عناصر فرهنگی جامعه تغییر کند. درحوزه اقتصاد نیز باید فرصتهای اشتغال ایجاد کرد، سطح درآمد طبقات پایین جامعه را افزایش داد و تورم را کنترل کرد. به طوری که تهیه حداقل امکانات زندگی برای افراد و قشرهای آسیب پذیر جامعه ممکن باشد.
- ۴ - درحوزه قضایی و انتظامی نیز باید قوانین جزائی مناسب و بازدارنده ای تدوین شود تا دستگاه قضایی با قاطعیت تمام با قاچاقچیان و حامیان آنها برخورد کند. ضروری است نیروی انتظامی بر قهوه خانه ها، کافی شاپ ها، کلوپ ها، پارک ها و مهمان خانه های بین شهری نظارت بیشتری داشته باشد و امنیت معتادان را در این مکان ها سلب کند. مکان هایی که برای همه افراد جامعه آشکار است که محل توزیع و

مصرف مواد مخدر و فساداند، تبدیل به فضای سبز یا فضاهای آموزشی شوند تا حداقل درکاهش جرم تأثیرداشته باشد.

۵ - ایجاد زمینه های اشتغال دولت تلاش کند و سیاست ها و برنامه های خود را براساس اشتغال زایی تنظیم کند و عوامل بیکاری کارگران و تعطیلی کارخانه ها یا ورشکسته شدن شرکت ها را شناسایی و رفع نماید.

Abstract:

The objective of this study was to examine the socio-economic determinants of women prisoners. The main question of this research is that socio-economic factors affect women prisoners? The main aim of providing solutions to reduce the phenomenon of crime. The women prisoners are subdivided into this study: crime rates, education, breaking apart the family's socio-economic backgrounds, inner religious beliefs. This study aims to examine the offense in terms of Durkheim, Sheldon, Merton... is used. The survey methodology and questionnaire were used to collect data.

The survey methodology and questionnaire were used to collect data. The population study of all women prisoners in the Tadan 102 persons in 1392 and because of the low sample size, sampling the census. To analyze the data, descriptive tables for hypothesis testing. An example: The disintegration of the family, living in poor neighborhoods, religious beliefs, education, database (socio-economic) and imprisonment of women there is a positive relationship meaningful.

Key words: crime, Deviance, Deviance, women prisoners

منابع

فارسی

- احمدی، ح. (۱۳۷۷)، نظریه های انحرافات اجتماعی، شیراز: انتشارات رز، چاپ اول.
- اردبیلی، م.ع. (۱۳۸۳)، حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان، جلد دوم، چاپ پنجم.
- آگبرن، ن.ک. (۱۳۵۳)، زمینه جامعه شناسی، انتشارات آریانپور، چاپ هفتم.
- آقاجانی، ن. (۱۳۸۱)، فحشا از منظر آیات و روایات فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۱۹، سال پنجم.
- بیرو، آ. (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه دکتر باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، چاپ دوم.
- حسینی دشتی، س.م. (۱۳۶۹)، معارف و معاریف، تهران: موسسه فرهنگی آرایه.
- خسروپناه دزفولی، ع. (۱۳۸۲)، آسیب شناسی جامعه دینی، دفتر نشر معارف.
- خاکپور، م.م. (۱۳۵۴)، جرم شناسی زنان ناسازگار، انتشارات موسسه مطبوعاتی عطایی.
- راهب، غ. (۱۳۸۰)، بررسی عوامل خانوادگی مؤثر در گرایش نوجوانان دختر ساکن شهر تهران به بزهکاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم زیستی و توان بخشی.
- سرابندی، ع. (۱۳۷۶)، علل بزهکاری نوجوانان مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- سروستانی، ص. (۱۳۷۱)، فاصله فروماندگی تا فرومایگی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- صالحی خواه، ع. (۱۳۸۴)، ریشه یابی انحرافات اجتماعی، اصفهان، مقیم.
- عمید، ح. (۱۳۷۴)، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم.
- کوئن، ب. (۱۳۷۰)، درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر فرهنگ معاصر، چاپ اول.
- گسن، ر. (۱۳۷۴)، جرم شناسی نظری، ترجمه: مهدی کی نیا، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول

- ممتاز، ف. (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی، نظریه ها و دیدگاه ها، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۸۳)، وندالیسم، تهران: انتشارات آن.
- موسی نژاد، ع. (۱۳۸۷)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش پسران نوجوان و جوان زندان اصفهان به مواد اعتیاد آور، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- مساواتی آذر، م. (۱۳۷۴)، آسیب شناسی اجتماعی و جرم شناسی (جرم شناسی انحرافات)، انتشارات نوبل، چاپ دوم.
- محسنی، م. (۱۳۵۵)، جامعه شناسی عمومی، انتشارات ظهوری، چاپ سوم.
- یوسفی، ز؛ عابدی، م؛ طاهر نشاط دوست، ح. (۱۳۸۶)، بررسی نگرش والدین شهر اصفهان نسبت به روابط دوستانه دختران و پسران، فصلنامه پژوهشی، سال سوم، شماره ۱۰.

انگلیسی

- Anderson, A. fluencies on delinquenc y: therole of the single-parent family, *Journalof adler, f* (1975), sister in crime delinquency in the ill awarrakegion: a/sela-report study, Australia university, New York, Megraw-hill.
- Hagan, J. (1988). Modevncriminology, New York, MceRaw-hill Hoffman, J. P. (2003), A contextual Aualysis of Differential Association, social control and strain Theories of Delinguen, social forces,81(3)
- Hagan, J. & Foster, H. (2003), S/Hes a Rebel: Toward a sequention stress Theory of Delinquency and Gendered path ways to Disadvatage in Emerging Adulthood social forces,82
- Reid, St (2000). Crime and crimiology, usamegraw hill higher Wdacation. 6